

زوج محله شهید قربانی هنر فراموش شده نساجی سنتی را
زنده نگه داشته اند

کارگاهی برای بافتن امید و اشتغال



سکینه تاجی ادریکی از سالن های خیریه ضیافت الزهرا^(س) راکه باز می کنیم، بوی پنبه و پارچه های نوبه مشام می خورد. گوش دادن به صدای هماهنگ دستگاه ها حین بافتن و تماشای نخ های موازی و منظم، حس خوب ناشی از حضور در یک کارگاه بافت پارچه است. تار سیدن خانم و آقای احمدی، در راهرو بین دستگاه ها قدم می زنم و به خانم هایی که مشغول بافتن هستند، سلام می کنم. اینجا بزرگ ترین کارگاه سنتی بافت پارچه در شهر مشهد است؛ هنری که اگرچه روزگاری سرگرمی روزانه مادر بزرگ هایمان بوده، در سال های اخیر آن چنان کمرنگ شده که تا مرز نابودی هم پیش رفته است. حسین احمدی ۱۰ سال پیش بایک دستگاه بافتنی خانگی از هرات به مشهد مهاجرت کرد و از همان زمان در فکر زنده کردن دوباره این هنر بود که از سالیان سال جزو صنایع دستی اهالی خراسان بزرگ بوده است.

رد شدن از مشکلات برای رسیدن به هدف بزرگ

احمدی وقتی در اوایل دهه ۹۰ به مشهد مهاجرت کرد با پرس و جو متوجه شد که مشابه این صنعت نساجی سنتی در افغانستان، در بسیاری از شهرهای ایران هم وجود داشته و هنوز در بعضی از شهرها رواج دارد اما در مشهد رو به نابودی رفته و اثری از تولید به شکل گسترده در این شهر نیست. از همان جابود که تصمیم به راه اندازی یک کارگاه بزرگ برای زنده کردن این صنعت دستی فراموش شده گرفت و سختی ها و محدودیت های بی شمار در شروع کار هم توانست او را از هدفی که داشت، منصرف نکند.

معصومه رضایی، همسر احمدی می گوید: دستگاهی راکه با خودمان از هرات آورده بودیم، در اتاق خواب کوچک خانه ای که در آن ساکن شدیم، گذاشتیم. شرایط بسیار سختی بود. من به تازگی داشتیم کار را از همسرم یاد می گرفتیم. او روزها در جاهای دیگر مشغول بافندگی بود و شب ها که به خانه می آمد هم پای دستگاه خودمان تا دیروقت کار می کرد. دستمال های ابریشمی رنگی و پارچه هایی که معروف بود به دستمال یزدی تولید می کردیم. این روایت اولین روزهای کار حسین و معصومه در ایران است. محدودیت جا و مکان، نداشتن سرمایه برای تولید و از همه مهم تر پیدا کردن بازار فروش، مهم ترین مشکلاتی بود که در آن روزها با آن دست و پنجه نرم می کردند. حدود پنج سال شرایط به همین شکل پیش رفت و کار شبانه روزی این زوج نشانی بود از روحیه جنگنده و خستگی ناپذیرشان برای رسیدن به هدف های بزرگی که در ذهن داشتند؛ آدم وقتی هدف بزرگی در ذهن داشته باشد، برای رسیدن به آن از هر مشکل و سختی عبور خواهد کرد.

همه کارها این کار

حسین احمدی، متولد سال ۶۳ طرح، بافنده و سازنده دستگاه های سنتی نساجی است. حرفه ای که آن را از پدرش به ارث برده و شدت علاقه اش به این کار باعث شده در همه زمینه های این رشته هنری به درجه استادی برسد؛ پدرم طرح نساجی سنتی بود. من هم کنار دستش این کار را یاد گرفتم. آن زمان ها به طراحان هم می گفتند بافنده و مثل امروز نبود که برای مثال طراحی و نقشه خوانی و نخ کشی هر کدام به صورت تخصصی از هم جدا شده اند. از بچگی وقتی خودم را شناختم با پدرم در زمینه طراحی و نخ کشی کار می کردیم. بافنده ها وقتی چله شان تمام می شد به طرح می گفتند دوباره برایشان نخ کشی کند. شغل پدرم این بود. حسین رفته رفته در همین شغل خانوادگی خودش را پیدا کرد و کم کم هم طرح شد هم سازنده و هم بافنده؛ طراحی راکه زیر دست پدرم یاد گرفتم، رفته رفته سراغ بافندگی و چون خیلی علاقه داشتم طراحی را کاملاً ذهنی انجام می دادم نه از روی نقشه. ابتکارات خاصی به خرج دادم که به درد بافنده ها خورد و کارشان را آسان می کرد. حسین آقا هنوز جوان بود که به قول خودش شده همه کاره این کار و حالا دیگر در زمینه کار با دستگاه یا از صفر تا صد بافندگی، کارش گیر کسی نیست. از چله کشی گرفته تا طراحی و بافتن تخصصی و پیشرفته و حتی در شکل و شیوه ساخت دستگاه یک استاد تمام عیار است.

آموزش رایگان؛ با شرط توسعه کار

خانواده احمدی حدود یک سال قبل، از طریق شبکه ملی دست بافته ها با خیریه ضیافت الزهرا^(س) محله شهید قربانی آشنا شدند. جایی که بایک شرط ساده اما مهم، فضایی بزرگ برای راه اندازی کارگاه نساجی سنتی در اختیار آن ها قرار گرفت و حتی سرمایه گذاری کافی برای ساخت ماشین های بافت جدید نیز انجام شد. معصومه می گوید: خیریه الزهرا^(س) با این شرط که خانم های سرپرست خانوار به رایگان در اینجا آموزش ببینند، این فضای مناسب را در اختیار ما گذاشت. شرطی که شاید بتوان گفت هدف و آرزوی شخصی خودم هم بوده است؛ آموزش هر چه بیشتر این هنر و گسترش این صنعت دستی، به ماندگاری این هنر و به فراموشی کمک می کند. احمدی در ادامه حرف های همسرش را تأیید می کند و می گوید: حالا برای همه کسانی که حتی از صفر بخواهند این کار را شروع کنند، شرایط به اندازه زمان شروع کار ماسخت نیست؛ زیرا این افراد نه نگرانی از سرمایه تولید دارند و نه دغدغه بازار فروش؛ صرفاً علاقه و استعدادشان آن ها را در این کار پیش می راند. این کارگاه خانوادگی در این یک سال حضور در خیریه، پنجاه دستگاه جدید به خط تولید خود اضافه کرده است و کارآموزان پس از یادگیری مراحل مقدماتی و تکمیلی در صورت تمایل می توانند روی همین دستگاه ها مشغول بافندگی شوند و درآمد کسب کنند. این استاد بافندگی تأکید می کند: ما اینجا به هنرچو ها نمی گوییم که باید چند ماه را صرف آموزش کنند تا شاید بافنده شوند؛ اینجا فقط با ۱۰ جلسه می شود مراحل مقدماتی و تکمیلی بافندگی را یاد گرفت به شرطی که علاقه و استعداد وجود داشته باشد. بعد از یادگیری، مراحل تولید و کسب درآمد است. هدفمان این است که تا جایی که می توانیم، این هنر را به افراد بیشتری آموزش دهیم تا هم این هنر زنده بماند و هم از این طریق، افراد با یادگیری یک فن و مهارت عالی، به کسب درآمد مستمر دست پیدا کنند.

این هنرمند محله شهید قربانی در یک سال گذشته، چه به صورت مجازی و چه حضوری، بین پانصد تا شصدهنرچو را در سطوح مختلف مهارتی آموزش داده است. در حال حاضر، انواع پارچه های لباسی، حوله، گلیم و حتی پارچه های فانتزی دکوراتیو در این کارگاه تولید می شوند.

